

بررسی امکان‌پذیری تدوین محتوای متون درسی رشته اقتصاد اسلامی و ارائه الگویی برای آن

دکتر مرتضی عزتی*

هدف مقاله حاضر، بررسی دو پرسش و پاسخ به آنهاست: 1) چهارچوب و الگوی مناسب برای تدوین متون دروس مصوب رشته اقتصاد اسلامی چیست؟ و 2) آیا امکان تدوین متن درسی برای دروس مصوب رشته اقتصاد اسلامی وجود دارد؟ برای ارائه پاسخی مناسب، مقاله ابتدا با معرفی چهارچوبی نظری و تحلیل آن، الگویی رای تدوین متون درسی اقتصاد اسلامی ارائه می‌کند و سپس با مرور فهرست تفصیلی یک درس مصوب (برای نمونه، اقتصاد خرد اسلامی 1) به تحلیل تطبیقی این فهرست با چهارچوب پیشنهادی می‌پردازد. نتیجه اصلی این است که این چهارچوب و الگوی مناسب برای تدوین متون درسی رشته اقتصاد اسلامی دارای نه ویژگی اصلی است که در فهرست مصوب درس اقتصاد خرد اسلامی 1 به طور عمده در نظر گرفته شده است.

کلید واژه‌ها

تدوین، متن درسی، اقتصاد اسلامی، اقتصاد خرد، الگو

* استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس. mezzati@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: 91/6/20

تاریخ دریافت: 91/3/20

مقدمه

یکی از موضوعهای بسیار مهم در ارائه یک درس و رشته، وجود محتوای مکتوب مناسب و جذاب برای دانشجویان است. عزتی و همکاران (1388)، در مقاله «ارزیابی محتوای منابع درسی اقتصاد اسلامی»، (نمونه بررسی درس اقتصاد صدر اسلام) در یک بررسی تجربی، اهمیت و نقش ارائه یک منبع درسی را نشان داده‌اند.

گسترش یک رشته نیز به‌طور جدی، به وجود محتوای مناسب برای آن متکی است. رشته اقتصاد اسلامی در سال 1387 به تصویب شورای گسترش آموزش عالی رسید اما به علل مختلف گسترش مطلوبی نیافت. می‌توان یکی از علتهای آن را نبود کتابهای مرتبط و محتوای مناسب برای درسهای آن دانست. همچنین، باید گفت که چستی محتوای مناسب و پایه و رویکردی که می‌بایست محتوای درسهای اقتصاد اسلامی بر پایه آن تدوین شود، روشن نیست و این مسئله بخشی از چالشهای رو در روی رشته اقتصاد اسلامی است. برای حمایت از این رشته و گسترش اقتصاد اسلامی، پژوهشگران و صاحب‌نظران باید به بررسی این موضوع و یافتن راهکاری مناسب برای آن پردازند. این مقاله در پی بررسی امکان‌پذیری و ارائه الگویی برای تدوین فهرست و محتوای درسهای اقتصاد اسلامی است.

پرسش اصلی این مقاله نیز چنین است: آیا امکان تدوین متن درسی برای دروس مصوب رشته اقتصاد اسلامی وجود دارد؟ و اگر این امکان وجود دارد چهارچوب و الگوی مناسب برای تدوین این متون چیست؟ دو فرضیه اصلی ما در این پژوهش چنین است: امکان تدوین متن درسی برای درسهای مصوب رشته اقتصاد اسلامی وجود دارد و الگوی به کار گرفته شده در فهرست مطالب مصوب درس «اقتصاد خرد اسلامی 1» الگوی مناسبی برای تدوین متون درسی اقتصاد اسلامی است. در این مقاله تلاش شده است برای پاسخ به این سؤال، ابتدا روش پژوهش بیان شود و با مرور مباحث نظری موضوع، الزامات و نیازهای تدوین متون درسی این رشته روشن گردد، سپس با بررسی دانش اقتصاد اسلامی، امکان‌پذیری به کارگیری این مباحث نظری در رشته اقتصاد اسلامی ارزیابی شود. پس از آن، الگویی (چهارچوبی کلی) برای تدوین محتوای مکتوب این دروس تبیین خواهیم کرد و سپس یک درس «اقتصاد خرد اسلامی» (طبق فهرست مصوب) را بر پایه الگوی پیشنهادی تحلیل و نتیجه آن را ارائه می‌کنیم. در پایان جمع‌بندی ارائه می‌شود.

بنابراین، هدف مقاله تأیید این مدعاست که تدوین متن درسی برای دروس اقتصاد اسلامی و به‌طور خاص برای درس «اقتصاد خرد اسلامی» طبق برنامه مصوب امکان‌پذیر است.

روش پژوهش

بخش اصلی این پژوهش نظریه‌پردازی است. اما این پژوهش از جهت شمول اعضای جامعه مورد بررسی، پژوهشی موردی است که به بررسی محتوای درس اقتصاد خرد اسلامی می‌پردازد. روش گردآوری اطلاعات اسنادی است. داده‌های نظری و داده‌های نمونه درس اقتصاد خرد اسلامی به عنوان موضوع مورد بررسی از منابع نظری و نیز اسناد مصوبات شورای گسترش آموزش عالی به دست می‌آید.

در زمینه روش تجزیه و تحلیل پژوهش، گفتنی است که در بخش نخست، یک تبیین نظری برای ارایه الگوی مناسب تدوین متون درسی رشته اقتصاد اسلامی انجام می‌شود. در پی آن تحلیل محتوای تطبیقی فهرست مصوب درس اقتصاد خرد اسلامی با چهارچوب (الگوی) پیشنهادی انجام و نتیجه ارائه می‌شود.

1. اشاره نظری

با توجه به گستردگی مباحث مرتبط با تدوین متون درسی در ابعاد مختلف، به اختصار، نکاتی را بررسی می‌کنیم:

1-1- برنامه درسی و محتوای متون درسی

ایجاد یک رشته و توسعه آن الزامات مختلفی دارد. اصلی‌ترین آن وجود یک شاخه از فن، هنر و یا دانش معتبر در آن زمینه است. برای تثبیت یک شاخه علمی، باید مجموعه‌ای از منابع در زمینه موردنظر، مطالعات صورت گرفته مستمر و پیوسته در این زمینه، مسائل علمی قابل بررسی به روشهای معتبر و مانند اینها وجود داشته باشد؛ در این صورت، می‌توان انتظار داشت این شاخه با فراهم شدن شرایط به صورت یک شاخه آموزشی در مراکز علمی شکل بگیرد. (ر.ک: Black et al, 1998; Barnet, 1990)

با توجه به متون مختلف موجود در زمینه اقتصاد اسلامی، می‌توان گفت امروزه اقتصاد اسلامی به عنوان شاخه‌ای علمی در دنیا مطرح است، و در بیشتر نهادهای علمی بین‌المللی و کشوری مباحثی از آن ارائه می‌شود. همچنین، در برخی کشورها اقتصاد اسلامی، خود، رشته‌ای دانشگاهی است و در برخی دیگر، زیرشاخه‌هایی از آن مانند بانکداری اسلامی و مالیه اسلامی، یک رشته دانشگاهی محسوب می‌شود. با وجود این، توسعه این شاخه نیازمند ارائه مناسب آن است؛ از جمله شرایط ارائه مناسب یک دوره آموزشی می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود محتوای مناسب؛ وجود چهارچوبهای آموزشی مناسب؛ وجود مدرس واجد صلاحیت؛ وجود منابع درسی مناسب. بنابراین، در صورت شکل‌گیری یک شاخه

علمی، برای کسب موفقیت در آن حوزه، لازم است برای هر درس به صورت مستقل برنامه‌ریزی شود. برنامه‌ریزی درسی به طور کلی سه مرحله دارد (میرزاییگی، 1380؛ نیز ر.ک: تقی‌پور ظهیر، 1383؛ ملکی، 1387 و عارفی، 1384):

1. طراحی برنامه درسی؛
 2. اجرای برنامه درسی؛
 3. ارزیابی اجرای برنامه درسی.
- یک برنامه درسی شامل عوامل و عناصر مختلفی است که به طور خلاصه عبارت‌اند از (ملکی، 1387):

1. نیازسنجی با توجه به ویژگیهای دانشجو و ویژگیهای جامعه؛
2. اهداف برنامه درسی؛
3. محتوای درس؛
4. روشهای ارائه (و یادگیری)؛
5. زمان‌بندی ارائه؛
6. سایر ابزار و وسایل.

یکی از اجزاء برنامه درسی، محتوای درس است. محتوای این برنامه را مدرس و منبع (کتاب) به دانشجو ارائه می‌کنند. بر این اساس، در طراحی یک برنامه درسی لازم است برای همه دروسی که ارائه می‌شود، محتوای مناسب طراحی و در نظر گرفته شود. محتوای یک ماده درسی عبارت است از: دانش سازمان یافته و اندوخته شده اطلاعات، واقعیات، حقایق، قوانین، اصول، روشها، مفاهیم، تعمیمها، پدیده‌ها و مسائل مربوط به همان ماده درسی. این محتوا در دو شکل ارائه می‌شود (فتحی و اجارگاه، 1377):

1) محتوای مکتوب؛ 2) محتوای شفاهی

محتوای مکتوب به کتاب و منابع درسی باز می‌گردد که همان متن مکتوب (کتاب درسی) است؛ و محتوای شفاهی مطالبی است که در کلاس به صورت شفاهی و اغلب به وسیله مدرس ارائه می‌شود. از ابزار اصلی برنامه درسی، متن مکتوب است که محتوای مکتوب در آن ارائه شده است.

می‌توان گفت متون درسی مناسب موجب تحقق بهتر اهداف برنامه درسی، به علاوه ایجاد انگیزه بین دانشجویان، ایجاد انگیزه برای مدرسان، افزایش دانش دانشجویان، تسهیل تدریس، کاربرد مناسب محصول آموزشی، فراهم شدن زمینه‌های پژوهش توسط دانشجویان و غیره می‌شود. ساختار یک منبع درسی مناسب، برای تدریس هر درس، ویژگیهای خاصی را می‌طلبد که از جمله آنهاست:

1. انطباق محتوای منبع با موضوع درس؛
 2. قوت علمی و محتوایی متن؛
 3. شیوایی و روانی متن؛
 4. استفاده از ابزارهای مناسب تفهیم، مانند نمودار، معادله، جدول، شکل، و عکس؛
 5. طبقه‌بندی مناسب موضوعها و مباحث، شامل: فصل‌بندی، پرسش و پاسخ، خلاصه و نتیجه‌گیری؛
 6. در زمینه خاص اقتصاد اسلامی، انطباق با اصول اسلامی.¹
- برای اینکه یک متن درسی بتواند این ویژگیها را داشته باشد، باید به نکات زیر توجه شود:

1. دانش موجود در زمینه موضوع درس؛
 2. کیفیت رشته‌ها و دروس مشابه؛
 3. توقع و انتظارات دانشجویان و استادان؛
 4. تواناییهای استادان و دانشجویان.
- در نظامهای آموزشی که طراحی متمرکز دارند، بخش اصلی محتوا از طریق منابع درسی ارائه می‌شود. نظام آموزش و پرورش ایران نمونه‌ی اعلا‌ی این تمرکز است. نظام آموزش عالی در ایران نیز بسیار نزدیک به این حالت است. محتوای رشته‌ها و دروس آنها توسط یک نظام متمرکز تصویب، و برای اجرا به همه مراکز آموزش عالی ارسال می‌شود. البته در مقررات جدید، هر مرکز آموزش عالی می‌تواند طرحی را برای شورای گسترش آموزش عالی ارسال کند که در صورت تصویب، آن مرکز و سایر مراکز می‌توانند از بین دو یا چند طرح مصوب یکی را انتخاب و اجرا کنند. به هر حال، در این نوع نظامها برای ایجاد درک مشترک از محتوای درس و برقراری شرایط یکسان، ارائه متن درسی مشترک اهمیت زیادی می‌یابد.

1-2- پیشینه بررسی چگونگی تدوین متون درسی اقتصاد اسلامی
در زمینه چگونگی تدوین متون درسی اقتصاد اسلامی بررسیهای چندانی انجام نشده است، اما با جستجو در این زمینه می‌توان به نوشته‌های ارزشمندی دست یافت. می‌توان نوشته‌های

1. البته مطالب زیادی در این زمینه وجود دارد که به مهم‌ترین آنها با توجه به موضوع مقاله اشاره کردیم. برای اطلاع بیشتر می‌توان ر. ک: هاجری، 1388؛ اکبری جدی، 1389؛ تاپلر، 1387؛ ملکی، 1387؛ عارفی، 1384.

در دسترس در این زمینه را به سه گروه تقسیم کرد که به آنها اشاره می‌کنیم:

1. برخی از این نوشته‌ها بررسیهایی کلی هستند در زمینه‌های ارزیابی و بازنگری محتوا و یا ابعادی از متون درسی دانشگاهی، مانند:

«نقد بازنگری متون درسی دانشگاهی» (قدیمی، 1391)، «آسیب‌شناسی متون درسی دانشگاهی در حوزه علوم تربیتی» (محسن‌پور، 1390)، «بایسته‌های متن درسی تفسیر موضوعی قرآن کریم» (اکبری جدی، 1389)، «شاخصهای ارزیابی و نقد کتابهای درسی دانشگاهی» (رضی، 1388).

2. برخی از نوشته‌های زمینه آموزش اقتصاد اسلامی نیز با موضوع مقاله حاضر رابطه دارند مانند: «بررسی چالشهای موجود نظام آموزشی اقتصاد اسلامی» (احمدی، 1388)، «امکان‌سنجی توسعه نظام آموزش اقتصاد اسلامی در دانشگاههای کشور» (مصباحی مقدم و میسمی، 1388)، «رهیافت میان رشته‌ای در آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی» (حشمتی مولایی، 1390)، «رویکرد ترکیبی در آموزش درس اقتصاد اسلامی» (عیوضلو و میسمی، 1388) و «آموزش اقتصاد خرد از دیدگاه اسلامی» (عسگری و میسمی، 1391).

3. دسته سوم نوشته‌هایی هستند که به سرفصلها و محتوای منابع درسی اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. این دسته پیشینه اصلی کار ما را تشکیل می‌دهند. در این زمینه کارهایی انجام شده است که به آنها اشاره می‌کنیم:

حسینی (1387) در بررسی سرفصلها و برنامه درسی دو درس اقتصاد اسلامی در دوره‌های آموزش دانشگاهی اقتصاد، این سرفصلها را از جهت هدف، ایجاد توان تحلیلی در دانشجو، ایجاد نگرش مثبت نسبت به آموزه‌های دینی دارای ضعف می‌داند. عزتی (1387) در بررسی الزامات برگزاری دوره‌های آموزش عالی اقتصاد اسلامی با یک بررسی پرسشنامه‌ای یکی از ضعفهای مهم آموزش اقتصاد اسلامی را ضعف محتوای برخی از دروس اقتصاد اسلامی می‌داند.

سیدنورانی و تاری (1387) در بررسی سرفصلها و عناوین درس اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد (کارشناسی) عنوان و محتوای دو درس اقتصاد اسلامی دوره دانشگاهی را دارای ضعفهای زیر می‌دانند: عنوان و محتوا فقهی و تاریخی است و علمی نیست و با دروس عمومی هم‌پوشانی دارد. محتوا جنبه عملیاتی و ملموس ندارد.

لشکری (1388) به تبیین برخی سیاستها و برنامه‌ها برای حمایت و کمک به تدوین و انتشار بهتر متون درسی برای درسهای رشته اقتصاد اسلامی پرداخته است.

پیغامی (1388) نیز به ارائه دلالتهایی برای رهیافت تلفیقی در طراحی برنامه درسی

رشته اقتصاد اسلامی پرداخته است و این رویکرد را بهتر از تفکیک متنهای درسی به اسلامی و غیر آن بیان کرده است.

عزتی، مهرگان و دهقانپور (1388) به ارزیابی محتوای منابع درسی اقتصاد صدر اسلام پرداخته‌اند و از دیدگاه دانشجویان محتوای منابع موجود این درس را ضعیف‌تر از دیگر منابع درسهای اقتصاد یافته‌اند. همچنین ضروری دانسته‌اند که ارائه مطالب در منابع درسی با روشهای علمی پذیرفته شده انجام شود.

1-3- الگوهای ممکن برای طراحی محتوای متون درسی اقتصاد اسلامی

برای طراحی محتوای درسی می‌توان الگوهایی در نظر گرفت که متناسب با شرایط درس و رشته مورد نظر به صورتهای مختلف قابل طبقه‌بندی است؛ اما برای رشته اقتصاد اسلامی این تناسب وجود ندارد. در واقع، برای رشته‌ای جدید با محتوای اعتقادی خاص، مانند اقتصاد اسلامی، باید از الگوهای ویژه‌تری استفاده کرد. با توجه به متون موجود در این زمینه می‌توان مجموع الگوهای قابل طرح برای ارائه دانش اقتصاد اسلامی در دانشگاهها را بین دو دامنه افراطی زیر در نظر گرفت:

1. از آنجا که علم ماهیت واحد و جهانی دارد و اقتصاد نیز علم است، باید در جوامع اسلامی عیناً از دانش اقتصاد موجود سنتی استفاده کرد؛ زیرا دانشی به نام اقتصاد اسلامی به صورت مجزا وجود ندارد.

2. چون علم موجود اقتصاد سنتی ساخته تفکر مادی‌گرای غربی است و هیچ تناسبی با تفکر اسلامی ندارد، باید دانش اقتصاد سنتی موجود را کنار گذاشت و دانش اقتصاد اسلامی جدیدی با پیش فرضها و ساختارهای خاص و الزامات متفاوت بنا کرد.

می‌توان الگوهای دیگر را بین این دو الگو در نظر گرفت، و دامنه کلی الگوهای قابل طرح از الگوی بندی یک تا الگوی بند 2 بالا و دیگر الگوها را چنین ترسیم کرد:

1. استفاده جوامع اسلامی از دانش اقتصاد موجود سنتی، بی‌کم و کاست؛ زیرا علم ماهیت واحد و جهانی دارد و اقتصاد نیز علم است، و دانشی به نام اقتصاد اسلامی به صورت مجزا وجود ندارد (مانند الگوی فعلی برخی کشورهای اسلامی).

2. استفاده از دانش اقتصاد موجود سنتی و ارائه برخی احکام و قواعد اسلامی و تا حدودی تجربه حکومت اسلامی در زمینه اقتصاد به عنوان بخش مکمل دانش اقتصاد موجود (آنچه امروزه به عنوان دوره اقتصاد مصوب در ایران وجود دارد).

3. استفاده از دانش اقتصاد سنتی و ارائه برخی مفاهیم ساده شده اسلامی در داخل

آنها و اصلاح برخی نظریه‌ها؛ مانند ارائه نرخ بهره صفر در نظریه‌های اقتصادی و تدوین نظریه‌هایی با این شرایط به عنوان محتوای دانش اقتصاد اسلامی که یک ترکیب ظاهر فریب است و به نظر ما هیچ ارزش محتوایی و کاربری نخواهد داشت.

4. استفاده از دانش اقتصاد سنتی و ارائه برخی مفاهیم اسلامی در داخل آنها و اصلاح برخی نظریه‌ها؛ مانند حذف نرخ بهره از نظریه‌های موجود و جایگزینی آن با نرخهایی مانند نرخ بازده، و نرخ سود که ترکیبی صوری (ظاهری) است و تغییر محتوایی چندانی ندارد.

5. بازخوانی مجدد دانش اقتصاد سنتی بر اساس و مبتنی بر آگاهی کافی از اصول و احکام اقتصادی اسلامی برای کشف واقعیت‌های اقتصادی اسلامی از درون دانش اقتصاد سنتی؛ مانند کتاب *تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق* (توتونچیان، 1363) و *اقتصاد صدر اسلام* (صدر، 1375).

6. استفاده از دانش اقتصاد سنتی در زمینه‌هایی که با احکام و اصول اولیه اقتصادی مغایرتی ندارد و کنار گذاشتن مواردی که با احکام و اصول اسلامی مغایرت دارد؛ و نیز ارائه نظریه‌های جدید برای این موارد که منطبق با احکام و اصول اسلامی باشد؛ مانند کتاب *الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان* (حسینی، 1379) و مقاله «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش» (محمد انس الزرقا، 1383).

7. تبیین مبانی و اصول اقتصاد اسلامی و ارائه چهارچوب‌های دانش اقتصاد اسلامی و استخراج نظریه‌های اقتصاد اسلامی با پذیرش امکان استفاده از مبانی، اصول، چهارچوب‌ها و نظریه‌های اقتصاد سنتی در مواردی که با اصول اسلامی منطبق است (مغایر نیست). می‌توان شرط وجود انطباق و نیز مغایرت نداشتن را دو رویکرد مجزا تلقی کرد؛ مانند کتاب *نظریه اسلامی رفتار مصرف‌کننده* (عزتی، 1382) و نظر منذر قهف در مقاله «علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش» (کهف، 1385).

8. تبیین مبانی و اصول اقتصاد اسلامی و ارائه چهارچوب‌های کلی دانش اقتصاد اسلامی و استخراج نظریه‌های اقتصاد اسلامی با پذیرش امکان استفاده از نظریه‌های اقتصاد سنتی در مواردی که با مبانی و اصول طراحی شده منطبق است (مغایر نیست). می‌توان شرط وجود انطباق و نیز مغایرت نداشتن را دو رویکرد مجزا تلقی کرد.

9. کنار گذاشتن دانش اقتصاد موجود و بنا کردن دانش اقتصاد اسلامی جدیدی با پیش‌فرضها و ساختارهای خاص و الزامات متفاوت؛ زیرا علم موجود اقتصاد سنتی ساخته تفکر مادی‌گرای غربی است و هیچ تناسبی با تفکر اسلامی ندارد، مانند عقیده میر معزی در

مقاله «موضوع علم اقتصاد اسلامی» (1386). البته می‌توان رویکرد وی را با توجه به این عبارت: «براساس مبانی اسلامی می‌توان به روش جدیدی برای تبیین و پیش‌بینی رسید»، از نوع رویکرد 10 نیز دانست.

10. رویکردهای دیگری که اصل علم را متفاوت تلقی می‌کنند و خود به انواعی تفکیک می‌شوند؛ مانند دیدگاه حسین معلمی در مقاله «نقش اجتهاد در تدوین علوم انسانی اسلامی» (1389). البته، این رویکردها در مقاله حاضر نمی‌گنجند.

2. دانش موجود اقتصاد اسلامی

ابتدا به توضیح و تعریفی درباره دانش و علم و سپس به دانش موجود می‌پردازیم.

2-1- دانش و شیوه‌های کسب آن

دانش می‌تواند براساس روشهای مختلفی به دست آید. همه این روشها برای انسان به شناختهایی ختم می‌شود که ابهامهای او را برطرف می‌کند. در واقع، شناخت به معنی پی بردن به ابهامهاست. پاسخ به مجهولها (اعم از پاسخ به پرسشها، و مسائل و راه‌حل مشکلات) از ابهامهایی است که در ذهن انسان وجود دارد. این شناخت می‌تواند براساس و پایه‌های مختلفی استوار باشد؛ و به تعبیر دیگر با شیوه‌های متفاوتی حاصل شود. می‌توان شیوه‌های کسب دانش را به 5 نوع تقسیم کرد:

1. شیوه بدیهی‌پنداری. بسیاری از دانستیهای انسان از این نوع است و در سطح دانشگاهی و تخصصی نیست.

2. شیوه مبتنی بر رمزها. دانستیهایی که از روشهای خاص، مانند وحی، الهام، سیر و سلوک الهی و غیر الهی به دست می‌آید که روش آن در مباحث علمی نمی‌گنجد.

3. شیوه ایمانی و اعتمادی. دانستیهایی که انسانها بر اساس اعتماد به منبع ارائه، آنها را می‌پذیرند؛ مانند احکام شرع و دانستیهای ارائه شده در قرآن که به استناد ایمان و اعتماد به صحت اصل آن و منبع آن مقبول مسلمانان است.

4. شیوه عقلانی. دانستیهای مبتنی بر عقل، مانند نظریه‌ها و مباحث فلسفی که بخشی از مطالب علمی را دربر می‌گیرد.

5. شیوه علمی. دانستیهای مبتنی بر روش خاص مورد قبول در علم که مبنای تشکیل یک شاخه علمی است.

2-2- مفهوم علم

برای علم تعریفهای مختلفی ارائه شده است؛ اما می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «علم، دانستیهای منظم، قابل استدلال و اثبات براساس روشهای معتبر و پذیرفتنی درباره پدیده‌ها و روابط بین پدیده‌ها است.» این تعریف را می‌توان برای هر یک از شاخه‌های علوم نیز تعمیم داد؛ هرچند برای هر یک از آنها تعاریف خاصی ارائه شده است. یکی از تعریفهای در زمینه علم اقتصاد که در سطح وسیعی پذیرفته شده است، «علم اقتصاد» را «علم تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود بشری» می‌داند. این تعریف در جایگاه خود دارای اعتبار است؛ اما اگر بخواهیم تعریفی متناسب با تعریفی که ارائه شد بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم «علم اقتصاد، دانستیهای منظم، قابل استدلال و اثبات براساس روشهای معتبر و پذیرفتنی درباره تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود بشری است».

با این مفهوم، علم اقتصاد یک علم است، اما در زیر شاخه‌ها می‌تواند متعدد باشد؛ یعنی علم اقتصاد نیز به زیر شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که متناسب با آن تخصصهای خاصی ایجاد شده است. هنگامی که با پدیده‌های متفاوتی در اقتصاد مواجه هستیم که رفتارهای خاص خود را دارند، شاخه تخصصی ویژه‌ای ایجاد می‌شود؛ برای مثال، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد مالی، اقتصاد صنعتی. اگر درباره اقتصاد جوامع مختلف بحث شود متناسب با شرایط آن می‌توان اقتصاد را زیر شاخه خاصی دانست، مانند اقتصاد توسعه، اقتصاد کشورهای صنعتی، اقتصاد سوسیالیستی و مانند اینها. اگر انسانها مبانی رفتاری متفاوتی داشته باشند، نیازمند برخی نظریه‌های خاص آنها هستیم. برای مثال، برخی از رفتارهای انسانهای مؤمن به آخرت با رفتار انسانهای بی‌ایمان به آخرت متفاوت خواهد بود؛ در بخش رفتارهای متفاوت نیازمند ارائه نظریه جدید هستیم. ممکن است برخی رفتارها که نسبت به ایمان به آخرت خنثی هستند (یعنی تأثیری از ایمان به آخرت نمی‌گیرند)، نظریه‌های یکسانی برای دو گروه افراد داشته باشد. در این وضعیت، علم اقتصاد در باره انسانهای بی‌ایمان و انسانهای مؤمن، هر یک تخصص خاص تلقی می‌شود. در صورت پذیرش کلیت پیش فرضهای علم اقتصاد، اقتصاد سنتی، که علم اقتصاد را سکولار - یعنی بدون در نظر گرفتن آخرت در مباحث علمی - می‌داند، زیر شاخه‌ای از علم کلی اقتصاد خواهد بود؛ و علم اقتصاد اسلامی، که دنیا و آخرت را در تصمیم‌گیری تخصیص منابع مدنظر دارد، زیر شاخه کامل شده آن است؛ مانند اینها نیز زیر شاخه‌های دیگری از علم اقتصاد هستند. در شاخه اقتصاد اسلامی از علم اقتصاد با مجموعه‌ای از دانش

مواجهیم که بخشی از آن در سایر زیرشاخه‌های متناظر مشترک است و بخشی از آن نیز مخصوص اقتصاد اسلامی است.

این تعریف با توجه به روند تکاملی علوم ارائه می‌شود. روند پیشرفت علوم، علوم را به شاخه‌های مختلف تقسیم کرده است؛ این روند همچنان ادامه دارد و هر روزه سرعت تکامل آن افزایش می‌یابد.¹

3-2. موجودی دانش اقتصاد اسلامی

بحث اقتصاد در اسلام با نزول آیات مربوط به مباحث اقتصادی آغاز شد. این موضوع را اندیشمندان مسلمان بسط دادند؛ به ویژه با گسترش مباحث فقهی و اخلاقی، در طول تاریخ،

1. در گذشته، هر دانشمندی همه علوم را می‌آموخت و به بررسیهای آنها می‌پرداخت. با پیشرفت علوم و افزایش دانستیهای علمی، ضرورت طبقه‌بندی آنها نزد دانشمندان مشهودتر شد. اولین طبقه‌بندی منظم علوم را به ارسطو نسبت داده‌اند. در آن زمان مجموعه علوم را فلسفه می‌نامیدند. «ارسطو» فلسفه یا همان علم را به 3 بخش تقسیم کرده است: 1) فلسفه نظری، شامل: ریاضیات، فیزیک و ماوراءالطبیعه؛ 2) فلسفه عملی، شامل: اخلاق، سیاست مدن (حکومت‌داری) و تدبیر منزل (اقتصاد)؛ و 3. فلسفه شعری، شامل: خطابه و جدل.

دانشمندان پس از ارسطو، به‌ویژه در شرع اسلامی، نیز مجموعه علوم را فلسفه نامیدند. گرچه در این زمان دانشمندان به بررسیهای تخصصی پرداختند، هیچ یک از آنها خود را محدود به شاخه خاصی از علوم نکردند. با گذشت زمان و افزایش دانستیهای علمی، در قرنهای اخیر توجه بیشتری به تفکیک علوم شد. هر یک از دانشمندان، متناسب با رشته تخصصی و شرایط فکری و ذهنی خود به طبقه‌بندی علوم پرداختند. «آگوست گنت» که به پدر علم جامعه‌شناسی نیز معروف است، علوم را به ترتیب تأثیرگذاری بر علوم بعدی خود به 6 طبقه تقسیم کرده است: 1) ریاضیات؛ 2. هیأت؛ 3) فیزیک؛ 4) شیمی؛ 5. زیست‌شناسی؛ 6. جامعه‌شناسی. پس از او دانشمندان دیگری نیز به طبقه‌بندی علوم پرداختند و رشته‌های دیگری از علوم را شاخه‌ای از علم دانستند، اما هیچ یک از آنها نتوانستند همه علوم را در یک طبقه‌بندی کامل جای دهند، زیرا اغلب بنا به دیدگاههای شخصی خود علوم را طبقه‌بندی کرده‌اند. با وجود این، روند تقسیم‌بندی علوم تکاملی است تا اینکه کتابداری به نام «ملویل دیوی» برای رفع نیاز تخصصی کتابدارها و تقسیم‌بندی کتابها در قفسه‌های کتابخانه‌ها، کوشید همه علوم و تخصصها را در یک طبقه‌بندی جامع جای دهد. محققان و دانشجویان اقتصاد می‌توانند کتابهای تخصصی مورد نیاز خود را در دو قسمت بخش علوم اقتصادی از طبقه چهارم (علوم اجتماعی) و بخش اقتصاد خانواده از طبقه هفتم (علوم عملی) بیابند (عزتی، 1391).

مباحث فقهی و اخلاقی اقتصادی در اسلام نیز گسترش بیشتری یافت. پس از ورود جدی نظریه‌های اقتصادی جدید به جوامع اسلامی، این نظریه‌ها را اندیشمندان مسلمان - که در چند دهه اخیر شکل اساسی تر داشته است - نقد کردند و با بازگشت به خویشتن اندیشمندان مسلمان، برخی از آنان کوشیدند مطالبی را در راستای جریان علمی جدید در زمینه اقتصاد از دیدگاه اسلام ارائه کنند. این مطالب ابتدا بیشتر جنبه فلسفی و اخلاقی داشت، و به طور عمده به نقد نظریه‌های اقتصاد سنتی می‌پرداخت. به مرور، تلاشهایی برای ارائه نظریه‌های علمی در زمینه‌های مختلف اقتصادی از دیدگاه اسلامی انجام گرفت. به طور کلی، مباحث و نوشته‌های مربوط به اقتصاد اسلامی در چهار زمینه هستند: الف) مباحث عمومی (فقهی - حقوقی، اخلاقی و فلسفی)؛ ب) نقد نظریه‌ها و مبانی اقتصاد سنتی از دیدگاه اسلام؛ ج) مباحث تاریخ اقتصادی اسلام؛ د) ارائه نظریه علمی و بررسیهای تجربی نظریه‌ها در زمینه اقتصاد اسلامی.

الف) مباحث عمومی (فقهی - حقوقی، اخلاقی و فلسفی). از سده‌های اول اسلام، مباحث فقهی، حقوقی، اخلاقی و فلسفی اسلامی در زمینه‌های مختلف مطرح شده است و متون مختلفی نیز در این زمینه وجود دارد. از جمله متون فقهی - حقوقی در این زمینه متون مربوط به احکام معاملات، مالکیت، مصرف، و تولید و غیره است. می‌توان به مباحث مربوط به خوراکیها، پوشیدنیها، احکام مصرف و مالکیت، معاملات، ربا، قرض و غیره در بیشتر کتابهای فقهی و حقوقی اسلامی رجوع کرد. بسیاری از این نوع متون از جنبه‌های مختلف مشابه یکدیگرند و تنها بخشی از آنها در زمینه نقد حقوق اقتصادی است. از جمله در این زمینه می‌توان به کتابهای مکاسب شیخ انصاری (1375ق.)، مکاسب محرمة امام خمینی (س) (1373)، تحریرالوسیله امام خمینی (س) (1370) و کتب فقهی مشابه رجوع کرد که اغلب مبنای این نوع مباحث عقلانی و ایمانی و اعتقادی است.

درباره اخلاق و قواعد و ضوابطی که تأکید شده مسلمانان آنها را رعایت کنند، نوشته‌های زیادی وجود دارد. البته در بسیاری از نوشته‌های فقهی و حقوقی نیز مطالبی در این زمینه یافت می‌شود؛ به طوری که نمی‌توان بسیاری از این نوع مباحث را به خوبی از یکدیگر جدا کرد. با این حال، به طور کلی این نوشته‌ها مباحثی همچون منع حرمت ربا، منع کم‌فروشی و احتکار، مقدار و سطح مصرف، نوع مصرف، احکام مصرف، اسراف و تبذیر، انفاق و صدقه، و اخلاق مصرف را در بر می‌گیرند.¹ مبنای بیشتر این نوع مباحث

1. در این زمینه نوشته‌های مختلفی وجود دارد که از سطوح متفاوتی برخوردارند؛ برخی از آنها را می‌توان چنین ذکر کرد: گیکلک حکیم آبادی (1373)، باقری تودشکی (1378)، واحد تحقیقات اسلامی ←

ایمانی و اعتقادی است.

ب) نقد نظریه‌ها و مبانی اقتصاد سنتی. اغلب نوشته‌های مختلفی که در اقتصاد اسلامی به بحث مبانی اقتصاد پرداخته‌اند، بحث عقلانیت ابزاری و مطلوبیت، ربا و مانند آن را نقد کرده‌اند. این نوع نوشته‌ها محدود هستند، اما بحثهای عمیق‌تری را ارائه کرده‌اند. در این نوع نوشته‌ها، مبانی خاصی از اقتصاد سنتی نقد شده است و نیز اغلب آنها مبانی جایگزینی را برای اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌اند. از جمله نوشته‌های موجود در این زمینه که به بحث مطلوبیت پرداخته‌اند عبارت‌اند از: بخشی از نوشته‌های صدر (1375)، ص 190-203)، تونوچیان (1363، ص 125-128)، دادگر (1378، 257.62)، دانش (1365)، مشرف جوادی (1365 و 1370)، دادگر و عزتی (1381)، عزتی (1384) و غیره. همچنین، به طور کلی می‌توان گفت اغلب متونی که مباحث مربوط به رفتارهای اقتصادی مسلمانان را مطرح کرده‌اند، به طور محدود به نقد مبانی یا نظریه‌های اقتصاد سنتی نیز پرداخته‌اند. مبنای بیشتر این نوع مباحث عقلانی است.

ج) تاریخ اقتصاد اسلامی. برخی از متون اقتصاد اسلامی بیشتر به بحث تاریخ اقتصادی جوامع اسلامی پرداخته‌اند؛ از جمله اجتهادی (1363)، صدر (1375) و کهندل (1384). البته بخش عمده‌ای از تاریخ اقتصاد جوامع اسلامی در منابع اصلی تاریخی که عمومی است نیز مطرح شده‌اند، و اغلب متون تاریخ اقتصاد اسلامی از این منابع اخذ شده‌اند؛ مانند تاریخ طبری، تاریخ مسعودی (مروج الذهب) و منابع مختلف و متعدد تاریخ اسلام. مبنای بیشتر این نوع مباحث در متون مرجع علمی و ایمانی و اعتقادی است.

د) ارائه نظریه علمی و بررسیهای تجربی نظریه‌ها در زمینه اقتصاد اسلامی. در زمینه نظریه‌های اقتصادی از دیدگاه اسلامی، مطالعات عمیق‌تری انجام شده است که می‌توان آنها را در مجموعه‌ای از متون دانشگاهی یافت: اقتصاد صدر اسلام (صدر، 1375)، تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق (تونوچیان، 1363)، الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان (حسینی، 1379)، نقش احکام و ارزشهای اسلامی در تئوری تقاضا (دانش، 1365)، نگرشی بر الگوی مصرف در جوامع اسلامی (مشرف جوادی، 1365) و نظریه اسلامی رفتار مصرف‌کننده (عزتی، 1382). مبنای بیشتر این نوع مباحث علمی است.

→ (1368)، اکبری (1369 و 1370)، ابراهیمی (1375)، موسوی کاشمیری (1377)، شاه‌آبادی (1380)، محمدی اشتهاردی (1379)، محمودی (1362)، غروی بهمنی (1368)، صاد (1397 ق.)، گلزاده غفوری (بی‌تا)، بروجردی (بی‌تا)، بهروان (1367)، بناء رضوی (1367)، حسینی (1367)، امینی (1369) و علوی (1369).

3. فهرستهای مصوب دروس اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی

مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره اقتصاد اسلامی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را شورای گسترش آموزش عالی تصویب و برای اجرا به دانشگاهها ابلاغ کرده است.¹ دانشگاه رفسنجان در مقطع کارشناسی و دانشکده امور اقتصادی در مقطع کارشناسی ارشد این رشته دانشجو پذیرفته‌اند. همچنین مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره بانکداری اسلامی در این دو مقطع را شورای گسترش آموزش عالی تصویب و ابلاغ کرده که دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد در این رشته دانشجو پذیرفته است.

رشته اقتصاد اسلامی در مقطع کارشناسی بر اساس مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس مصوب، 25 درس اصلی (73 واحد)، 15 درس اختصاصی (37 واحد) و 6 واحد درس اختیاری دارد. در این رشته دروس یا روشها و فنون را ارائه می‌دهند (مانند ریاضیات، آمار، اقتصاد سنجی، حسابداری، و زبان) یا مبانی اسلامی را. بر این اساس هیچ درسی مانند عنوانهای اقتصاد سنتی وجود ندارد و پسوند اسلامی برای همه دروس غیر روشی و فنی در نظر گرفته شده است؛ مانند «اقتصاد خرد اسلامی 1 و 2»، اقتصاد کلان اسلامی 1 و 2، «توسعه اقتصادی با مبانی اسلامی»، «اقتصاد دولت اسلامی»، «پول و بانکداری اسلامی»، و «تفسیر آیات اقتصادی». با بررسی این سرفصلها می‌توان به نکاتی کلی در این زمینه اشاره کرد:

1. فهرست این درسها با رویکرد اسلامی تهیه شده است.
 2. فهرست مطالب این دروس را افراد مختلف با دانشهای غیرهم‌سطح در زمینه اقتصاد اسلامی تهیه کرده‌اند؛ و در نتیجه، ساختار یکسان و هم‌خوان ندارد.
 3. فهرست سرفصلها نشان می‌دهد که در تدوین آنها رویکردهای مختلفی به دانش اقتصاد اسلامی لحاظ شده است و از این نظر دروس با هم متفاوت‌اند.
 4. برخی از فهرستها با تفصیل تهیه شده‌اند و برخی بسیار مختصرند.
 5. در بیشتر فهرستها با مفاهیم و اصطلاحات، نسبتاً منطقی برخورد شده و از جایگزینی و ابداع مفاهیم نامأنوس پرهیز شده است که نکته مثبت مهمی است.
- با وجود برخی مشکلات و مسائل، تهیه و تصویب مشخصات کلی، برنامه و

1. مصوب شش صد و نود و دومین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورخ 1387/7/6.

سرفصل دروس دوره اقتصاد اسلامی گامی بسیار مهم به سمت گسترش دانش اقتصاد اسلامی و ارائه رشته اقتصاد اسلامی است.

4. چهارچوب (الگوی) پیشنهادی برای تدوین محتوای متون درسی رشته اقتصاد

اسلامی

با توجه به آنچه آمد، ابتدا به چند نکته اشاره می‌کنیم:

1. رشته اقتصاد اسلامی در شرایطی ارائه می‌شود که در ایران رشته اقتصاد سنتی با محتوایی تقریباً مانند کشورهای غربی ارائه می‌شود. سطح دانش اقتصاددانان ایران در زمینه اقتصاد سنتی نسبتاً خوب است؛ بنابراین، رقیب قوی در مقابل رشته اقتصاد اسلامی وجود دارد.

2. بیشتر استادان رشته اقتصاد در دانشگاه‌ها سالها در زمینه اقتصاد سنتی تحصیل کرده‌اند و تعداد بسیار اندکی از آنان اقتصاد اسلامی می‌دانند. انسانها به گونه‌ای هستند که به آنچه خود دارند اعتماد و اتکا می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند. در نتیجه، استادان ترجیح می‌دهند دانش آنان تدریس شود، نه دانشی که ندارند و باید بیاموزند (یعنی اقتصاد اسلامی).

3. دانشجویان و استادان رشته اقتصاد، بیشتر با دانش علمی آشنا هستند و سایر دانشها نزد آنها مقبولیت زیادی ندارد.

4. برای تدوین محتوای متن درسی باید دانش لازم مهیا باشد.

5. دانشجویان و استادان برای ارائه دروس اقتصاد اسلامی به جای اقتصاد سنتی، جایگزین مشابه از نظر کیفیت می‌طلبند.

بنابراین، باید در تدوین محتوای دروس اقتصاد اسلامی به این نکات توجه کرد:

1. محتوای مطالب دروس اقتصاد اسلامی باید مبتنی بر یافته‌های علمی باشد.
2. با توجه به ملموس بودن بخش زیادی از مطالب دروس اقتصاد سنتی، باید مطالب دروس اقتصاد اسلامی نیز ملموس باشند.

3. با توجه به شیوه‌های ارائه ریاضی، نموداری، کمی و غیره، باید در تدوین محتوای دروس اقتصاد اسلامی نیز از این شیوه‌ها استفاده کرد.

4. با توجه به سطح تسلط استادان در مباحث اقتصاد سنتی، استادان ارائه‌کننده محتوا باید سطح علمی قابل قبولی (بالایی) داشته باشند.

با توجه به آنچه آمد، الگوی (چهارچوب) کلی مورد نظر برای تدوین محتوای

متون درسی رشته اقتصاد اسلامی چنین است:

1. رویکرد مناسب به دانش اقتصاد اسلامی این رویکرد است: تبیین مبانی و اصول اقتصادی اسلام و ارائه چهارچوبهای دانش اقتصاد اسلامی و استخراج نظریه‌های اقتصاد اسلامی با پذیرش امکان استفاده از مبانی، اصول، چهارچوبها و نظریه‌های اقتصاد سنتی در مواردی که با اصول اسلامی منطبق است (مغایر نیست).
2. دانشی که باید سهم عمده (قریب به کل) محتوای متون درسی اقتصاد اسلامی را به خود اختصاص دهد، دانش علمی با مفهوم مورد پذیرش اقتصاددانان جامعه از علم است.
3. مباحثی مانند تاریخ اقتصادی، حقوق و قواعد اقتصادی سهم اندکی در محتوای متون داشته باشد.
4. دانش موجود در زمینه اقتصاد اسلامی به قوت دانش اقتصاد سنتی نیست؛ بنابراین، در تدوین متون تلاش شود مطالب ضعیف ارائه نشود. ارائه نشدن بهتر از ارائه ضعیف است؛ به ویژه این دانش در برخی زمینه‌ها (دروس) ضعیف‌تر است. می‌توان در مراحل اولیه واحدهای درسی این دروس را با اختیارات دانشگاه کاهش داد.
5. در ابتدای هر درس، اصول و مبانی لازم متناسب با محتوای درس تشریح و مطالب محتوا بر آنها استوار شود.
6. محتوای دروس باید با استفاده از ابزارهای مناسب تفهیم که در رشته اقتصاد متداول است - مانند نمودار، معادله، جدول، شکل، عکس و - تدوین و ارائه شود.
7. مطالب دروس اقتصاد اسلامی باید به طوری ارائه شوند که برای دانشجوی و استاد ملموس باشند. در این زمینه، می‌توان به مثالهای عملی و مصادیق تجربی موضوع اشاره کرد.
8. تلاش شود همراه با تدوین مطالب درس، یک متن با عنوان راهنمای استاد تدوین شود.
9. در تدوین محتوای متون درسی اقتصاد اسلامی از اصطلاحات غیر رایج و غیر مانوس استفاده نشود، زیرا اصل بحث را مخدوش می‌کند.

5. ارزیابی (تحلیل) کلی فهرست تفصیلی درس «اقتصاد خرد اسلامی 1»

فهرست مصوب درس «اقتصاد خرد اسلامی 1» دوره کارشناسی رشته اقتصاد اسلامی در پیوست مقاله ارائه شده است. این فهرست دارای 4 بخش است: مفاهیم و اصول، رفتار مصرف کننده، رفتار تولیدکننده و بازار که می‌توان نتیجه بررسی تطبیقی آنها را در مقایسه

با الگوی پیشنهادی این گونه ارائه کرد:

1. چنین به نظر می‌رسد که رویکرد قابل درک از این فهرست در زمینه دانش اقتصاد اسلامی همان رویکرد پیشنهادی این مقاله است.
2. دانشی که سهم عمده (قریب به کل) فهرست این درس را به خود اختصاص داده است، دانش علمی با مفهوم مورد پذیرش اقتصاددانان جامعه از علم است.
3. مباحثی مانند تاریخ اقتصادی در این فهرست مشاهده نمی‌شود؛ و مطالب حقوقی و قواعد اقتصادی نیز به عنوان مقدمه لازم برای شناخت و ارائه فرضها برای ارائه نظریه‌ها و تحلیل‌های علمی در فهرست گنجانده شده که سهم اندکی در متن را به خود اختصاص داده است.
4. به نظر می‌رسد در تدوین فهرست تلاش شده است مطالب ضعیف ارائه نشود و مطالبی در فهرست آورده شود که درباره آنها متون علمی معتبری چاپ و منتشر شده است.
5. در آغاز درس، اصول و مبانی لازم و متناسب با محتوای درس شرح داده و مطالب محتوا بر آنها استوار شده است.
6. فهرست نشان می‌دهد که محتوای درس باید با استفاده از ابزارهای تفهیم رایج در رشته اقتصاد، مانند نمودار، معادله، و جدول - تدوین و ارائه شود.
7. به نظر می‌رسد در تدوین این فهرست سعی شده است مطالب به صورتی ارائه شود که برای دانشجوی و استاد ملموس باشند.
8. متداول نیست که در فهرست مطالب درس به نحوه تدوین منابع و یا راهنمای استاد اشاره شود؛ در این اثر نیز اشاره نشده است.
9. در تدوین فهرست تلاش شده است از اصطلاحات غیر رایج و غیر مانوس استفاده نشود؛ تنها در نام درس که به اقتصاد خرد پسوند اسلامی داده شده است، در نظر برخی غیر مانوس تشخیص داده می‌شود و می‌توان در مراحل اولیه و برای جذب همه رویکردها حتی نام آن را اقتصاد خرد 1 گذاشت و به مرور آن را کامل تر کرد.

نتیجه‌گیری

در بررسی نظری درباره تدوین متنهای درس اقتصاد اسلامی به این نتیجه رسیدیم که از بین رویکردهای گوناگون موجود در زمینه تدوین متنهای درسی، یک رویکرد مناسب «تیین مبانی و اصول اقتصادی اسلام است با ارائه چهارچوبهای دانش اقتصاد اسلامی و بیرون آوردن نظریه‌های اقتصاد اسلامی از آنها با پذیرش امکان به کارگیری مبانی، اصول، و

نظریه‌های اقتصاد سنتی در مواردی که با اصول اسلامی منطبق است (یا مغایر نیست)» در تکمیل مباحث نظری به این چهارچوب رسیدیم که برای تدوین متن درسی اقتصاد اسلامی، متن باید محتوای علمی به معنای پذیرفته شده دانشگاه داشته باشد، مطالب آن ملموس باشد، از شیوه‌های نموداری، ریاضی و کمی در ارائه استفاده کند و مطالب آن سطح علمی بالایی داشته باشد.

با بررسی متنهای اقتصاد اسلامی و ارزیابی تطبیقی سرفصلهای درس اقتصاد خرد اسلامی 1 و چهارچوب پیشنهادی به این نتیجه رسیدیم که مطالعات زیادی در زمینه اقتصاد خرد از دیدگاه اسلامی صورت گرفته که نتایج آنها در مثنهایی با سطوح مختلف، رویکردهای متفاوت و محتواهای گوناگون منتشر شده است. هر چند کتابی منسجم و جامع که همه نیازهای دانشجویان رشته اقتصاد اسلامی را پوشش دهد منتشر نشده است، می‌توان از مجموع این مثنه‌ها مجموعه مطالب مناسبی برای تدوین کتاب درسی «اقتصاد خرد اسلامی» بر اساس برنامه مصوب گزینش و تدوین کرد. البته انتخاب رویکرد مناسب، حجم و محتوای مناسب برای این کتاب بسیار مهم است که در این مقاله سعی شده است بر پایه واقعیتها و امکانات موجود الگویی برای تدوین متون درسی اقتصاد اسلامی ارائه شود. این الگو با فهرست مصوب درس «اقتصاد خرد اسلامی 1» دوره کارشناسی رشته اقتصاد اسلامی تطبیق داده شده، و در نتیجه، این فهرست با الگوی پیشنهادی سازگار است و می‌توان بر پایه این الگو برای این درس متن درسی تدوین کرد. همچنین این ارزیابی نشان می‌دهد که الگوی پیشنهادی می‌تواند با واقعیتهای موجود نیز منطبق باشد و الگویی قابل استفاده است.

منابع

- ابراهیمی، محمد حسین (1375). اقتصاد در قرآن (تولید، توزیع، مصرف و رشد). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابراهیمی، محمد حسین (1377). محرمات مکاسب: تحریری نو بر مکاسب شیخ انصاری (ره). قم: مؤلف.
- اجتهادی، ابوالقاسم (1363). وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی. تهران: سروش.
- احمد، خورشید (1374). مطالعاتی در اقتصاد اسلامی. ترجمه محمد جواد مهدوی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- احمدی، علی محمد (1388). «بررسی چالشهای موجود نظام آموزشی اقتصاد اسلامی». فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش 113.
- اکبری، بهمن (1369). اسلام و مصرف خوراک. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- اکبری، بهمن (1370). اسلام و مصرف پوشاک. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

- اکبری جدی، صابر (1389). «بایسته‌های متن درسی تفسیر موضوعی کریم قرآن». فصلنامه مطالعات تفسیری، ش 1، بهار.
- امینی، ابراهیم (1369). «نقش اخلاق در اقتصاد اسلامی». مجموعه مقالات دومین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- انصاری، مرتضی (شیخ) (1375 ق.و). المکاسب. تبریز: اطلاعات، چ دوم.
- باقری تودشکی مجتبی (1378). سطح مصرف از دیدگاه اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد دانشگاه مفید.
- بروجردی، میرزا احمد (بی تا). اسلام و مستمندان. قم: علمیه.
- بنا رضوی، مهدی (1367). «مقدمه‌ای بر کاربرد عملی نظام ارزشی در اقتصاد اسلامی». مجموعه مقالات اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- بهروان، حسین (1367). «کارکردهای اقتصادی - اجتماعی اخلاق در اسلام». مجموعه مقالات اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- بهروان، حسین (1374). مطالعه فرهنگ عمومی مشهد. مشهد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان.
- پیغامی، عادل (1388). «دلالت‌های رهیافت تلفیقی در طراحی برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی». هشتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، دانشگاه تبریز.
- تایلر، رالف (1387). اصول اساسی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. ترجمه علی تقی‌پور ظهیر. تهران: آگاه، چ دوم.
- تقی‌پور ظهیر، علی (1383). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: آگاه، چ بیست و یکم.
- توتونچیان، ایرج (1363). تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق. تهران: مرکز اطلاعات فنی ایران.
- حسینی، سید مجتبی (1367). «اخلاقیات بازرگانی». مجموعه مقالات اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- حسینی، سیدمحمد (1387). «سرفصلها و برنامه درسی دوره‌های آموزشی». هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی. دانشگاه شیراز.
- حسینی، رضا (1379). الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان. سازمان سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حشمتی مولایی، حسین (1390). «رهیافت میان رشته‌ای در آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی». فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. سال دوم، ش 3، پیاپی 7، بهار و تابستان.
- خمینی، روح‌الله موسوی [امام] (1373). مکاسب محرمة 2. ج. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- دادگر، یداله (1378). اقتصاد اسلامی: معرفتها، ارزشها و روشها. تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- دانش، سید حسینعلی (1365). نقش احکام و ارزشهای اسلامی در تئوری تقاضا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- دهشور، مسعود، و مقدسی، محمود، و شیرازی، حمیدرضا (1366). طرح و مبانی اقتصاد در قرآن. تهران: مؤلفان.
- رضی، احمد (1388). «شاخصهای ارزیابی و نقد کتابهای درسی دانشگاهی». عیار (سخن سمت)، سال

- چهاردهم، ش 1، پیاپی 21، بهار.
- سید نورانی، سید محمدرضا و فتح‌اله تاری (1387). «ضرورت بازنگری در سرفصل و عناوین درس اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی (کارشناسی)». هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، دانشگاه شیراز.
- سیف، علی اکبر (1382). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: دوران.
- شاه آبادی، محمدعلی (1380). مروری بر تجمل و اسراف. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- صاد، علی (1397 ق.). انفاق. قم: هجرت.
- صدر، سید کاظم (1375). اقتصاد صدر اسلام. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عارفی، محبوبه (1384). برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی. تهران: جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- عزتی، مرتضی [ویرایش] (1376). تدریس اقتصاد اسلامی. تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- عزتی، مرتضی (1382). نظریه اسلامی رفتار مصرف‌کننده. تهران: مرکز پژوهش‌های اقتصاد و نشر نور علم.
- عزتی، مرتضی (1387). الزامات برگزاری دوره‌های آموزش عالی اقتصاد. هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، دانشگاه شیراز.
- عزتی، مرتضی (1391). روش تحقیق در علوم اجتماعی کاربرد در زمینه اقتصاد. تهران: مرکز پژوهش‌های اقتصاد و نشر نور علم، چ هفتم.
- عزتی، مرتضی و نادر مهرگان و محمدرضا دهقان‌پور (1388). «ارزیابی محتوای منابع درسی اقتصاد اسلامی» (نمونه بررسی درس اقتصاد صدر اسلام). نهمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی.
- عسگری، محمد مهدی، و حسین میسمی (1391). «آموزش اقتصاد خرد از دیدگاه اسلامی». راهبرد توسعه، ش 18، بهار.
- علوی، سید ابراهیم (1369). «اقتصاد اخلاقی». مجموعه مقالات دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- عیوضلو، حسین، و حسین میسمی (1388). «رویکرد ترکیبی در آموزش درس اقتصاد اسلامی». هشتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، دانشگاه تبریز.
- غروی بهمنی، اسماعیل (1368). اسراف و قناعت از نظر اسلام. قم: دارالنشر.
- فتحی و اجارگاه، کورش (1377). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات ایران زمین.
- قدیمی، اسماعیل (1391). «مطالعه انتقادی بازنگری متون درسی علوم انسانی - اجتماعی». کتاب ماه علوم اجتماعی، ش 55، مهر.
- کهنف، منذر (1375). مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی. مترجم عباس عرب مازار. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- کهنف، منذر (1385). علم اقتصاد اسلامی: تعریف و روش. مترجم سید حسین میرمعزی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش 23.
- کهندل، محمد (1384). اقتصاد صدر اسلام. تهران: انتشارات مشاوران.
- کیاء الحسینی، سید ضیاء‌الدین (1375). برآورد تابع پرداخت زکات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد. دانشگاه مفید (قم).
- کیاء الحسینی، سید ضیاء‌الدین (1379). «برآورد تابع هزینه‌های مذهبی متوسط یک خانوار شهری در

- ایران؛ قم: نامه مفید، ش 9.
- گلزاده غفوری، علی (بی تا). *اتفاقات و صدقات در اسلام*. تهران: الفتح.
- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (1373). نظری بر ابعاد مصرف در نظام اقتصادی اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران.
- لشکری، محمد (1388). «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای حمایت و کمک به تدوین و انتشار متون درسی درسهای رشته اقتصاد اسلامی». هشتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، دانشگاه تبریز.
- محسن پور، بهرام (1390). «آسیب‌شناسی متون درسی دانشگاهی در حوزه علوم تربیتی». عیار، ش 90، بهار و تابستان.
- محمدی اشتهاردی، محمد (1379). *اسراف: بلای خانمان سوز*. قم: مطهر.
- محمودی عباسعلی (1362). *اسراف و تبذیر*. تهران: بعثت.
- مشرف جوادی، محمدحسن (1365). *نگرشی بر الگوی مصرف در جوامع اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- مشرف جوادی، محمد حسن (1370). «رضایت خاطر با توجه به ارزشهای متعالی اسلام». تهران: پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، ش اردیبهشت الی شهریور ماه.
- مصباحی مقدم، غلامرضا، و حسین میسمی (1388). «امکان‌سنجی توسعه نظام آموزش اقتصاد اسلامی در دانشگاههای کشور: راهکاری در جهت تولید علم در اقتصاد». فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی، ش 1، بهار.
- معلمی، حسین (1389). «رد نقش اجتهاد در تدوین علوم انسانی اسلامی». مجله انسان پژوهی دینی، ش 23، بهار و تابستان.
- ملکی، حسن (1382). *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)*. تهران: انتشارات مدرسه، چ پنجم.
- ملکی، حسن (1387). *مقدمات برنامه‌ریزی درسی*. تهران: سمت، چ دوم.
- موسوی خمینی، سید روح الله [امام] (1370). *تحریرالوسیله*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دارالعلم.
- موسوی خمینی، روح‌الله موسوی [امام] (1373). *مکاسب محرمة*، 2 جلد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- موسوی کاشمیری، سید مهدی (1377). *پژوهشی در اسراف*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- میرزابیگی، محمد علی (1380). *برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی*. تهران: یسپرون.
- میرمعزی، سید حسین (1386). «موضوع علم اقتصاد اسلامی». فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش 28.
- واحد تحقیقات تجارت اسلامی (1368). *نظری اجمالی بر اصول و مبانی مصرف در اسلام*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- هاجری، حسین (1388). «نکاتی چند درباره ویرایش متون درسی». تهران: سخن سمت، ش 21.

Blake, Nigel; Smeyers, Paul; Smith, Richard and Standish, Paul (1998), *Thinking Again:*

Education After Postmodernism. Westport, CN: Bergin and Garvey.

Barnet R. (1990), *The Idea of Higher Education*. Buckingham: SRHE and Open University

Press.

پیوست

فهرست تفصیلی درس «اقتصاد خرد اسلامی 1»
بر پایه برنامه مصوب شورای گسترش آموزش عالی

تعداد واحد 4

نوع واحد: نظری

هدف از این درس آموزش تحلیلهای اقتصادی در سطح خرد و نیز ارائه چنین تحلیلهایی در چهارچوب ضوابط و احکام اسلامی با الهام از جهان بینی این مکتب است.

فصل 1. کلیات

1. تعریف علم، علم اقتصاد، اقتصاد اسلامی

2. تعریف انسان و ویژگیها و اهداف آن

3. چند نکته درباره روش شناسی اقتصاد و اقتصاد اسلامی

4. تفاوت مسلمان و غیر مسلمان

5. جمع بندی فصل

فصل 1. تقاضا

1. تعاریف: کالا، تقاضا، تابع تقاضا و ...

2. قیمت و اثر آن بر تقاضا

3. درآمد و اثر آن بر تقاضا

4. مفهوم و جایگاه ایمان در بحث رفتار

5. قواعد شرعی مؤثر بر رفتار مصرفی

6. تعریف تابع تقاضا و منحنی تقاضا

7. کششهای قیمتی، درآمدی و ...

8. جمع بندی فصل

فصل 3. نظریه رفتار مصرف کننده

1. تعاریف: مفهوم تخصیص، تقاضا، بودجه، محدودیت، رضایت خاطر و ...

2. عقلانیت و ویژگیهای آن
3. ترجیحات و منحنیهای بی تفاوتی
4. تعادل مصرف‌کننده
5. هزینه‌های دنیوی و اخروی
6. تعادل دنیا و آخرت در فضای دو بُعدی
7. اثر شیب منحنیهای بی تفاوتی و خط بودجه
8. شرایط لازم و کافی تعادل
9. آثار درآمدی و جانشینی
10. کالای عادی و پست و ..
11. منحنی تقاضای فردی
12. منحنی تقاضای بازار
13. جمع‌بندی فصل
- فصل 4. نظریه رفتار تولیدکننده
 1. تعاریف: تولید، عرضه، هزینه درآمد، سود و ...
 2. بازار رقابت تعریف و شرایط
 3. اثر زمان بر تولید
 4. اثر هزینه بر تولید
 5. اثر ایمان تولیدکننده بر تصمیم‌گیری بنگاه
 6. قواعد شرعی مؤثر بر رفتار تولیدی
 7. هزینه‌های تولید
 8. منحنیهای هزینه
 9. توابع ریاضی هزینه
 10. درآمد بنگاه
 11. سود بنگاه
 12. قواعد شرعی مؤثر بر تولید
 13. منحنی عرضه کوتاه مدت
 14. منحنی و تابع تولید
 15. شرایط حداکثر سود
 16. اثر قواعد شرعی بر رفتار تولیدکننده و تعادل

17. اثر ایمان بر رفتار تولیدکننده و تعادل
18. تصمیم‌گیری بلندمدت
19. منحنی تولید یک‌سان
20. کششهای عوامل تولید
21. بهینه‌یابی در بلندمدت
22. اثر ایمان بر تعادل بلندمدت
23. توابع هزینه بلندمدت
24. منحنی عرضه بلندمدت
25. تقاضای عوامل تولید
26. تقاضای عوامل تولید و عرضه کالا
27. جمع‌بندی فصل

فصل 5. بازار

1. تعاریف بازار، تابع و منحنی عرضه، منحنی و تابع تقاضا و...
2. بازار رقابت و ویژگیهای آن
3. ویژگیهای انواع بازارها
4. تعادل یک تقاضاکننده و یک عرضه‌کننده
5. استخراج تقاضای بازار
6. استخراج تقاضای عرضه بازار
7. اثر ایمان و قواعد شرعی بر تعادل بازار
8. تعادل بازار
9. جمع‌بندی فصل